



مناقب‌نگاری ائمه (ع) نزد فریقین

(باتکیه برکتب مناقب قرون دهم و یازدهم هجری)

■ عبدالله فرهی

عضو هیئت علمی گروه تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی

farrahi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۸

چکیده

در این نوشتار به بررسی آثار نوشته شده در زمینه حیات اهل بیت و ذکر مناقب آنها در دو جریان فکری و مذهبی غالب جهان اسلام، یعنی شیعه و سنی، پرداخته شده است. محور اصلی مورد مطالعه ما دوره صفویه می‌باشد که از این شیوه تاریخ‌نگاری برای کسب مشروعیت در میان مردم بهره برد. ریشه‌های این جریان مناقب‌نگاری را می‌توان در قرن نهم در شهر هرات پی گرفت، شهری که خاستگاه تاریخ‌نگاری عصر صفوی محسوب می‌شود. تاریخ‌نگاری ائمه را در واقع، به عنوان حلقه اتصالی در میان دو تفکر سنی و شیعی قبل و بعد از صفویه با محوریت سنیهای دوازده امامی می‌توان در نظر گرفت که موجب جلب توجه مناقب‌نگاران عصر صفوی به ترجمه آثار همچون کشف الغمه شد؛ اثری که به وفور از منابع اهل سنت بهره برده است. همین جریان حمایتی دولتی، سرانجام زمینه را برای خلق بزرگ‌ترین اثر روایی شیعی، یعنی بحار الانوار فراهم نمود.

کلیدواژه‌ها: مناقب‌نگاری، صفویه، سنیان دوازده امامی، کشف الغمه، بحار الانوار.

مقدمه

عناوین و موضوعات نگاشته شده در زمینه مناقب‌نگاری اهل‌بیت را می‌توان ذیل هشت دسته یا عنوان کلی تقسیم‌بندی کرد: ۱. کتابهایی با عنوان کلی مناقب، فضایل، تفضیل، فضل و خصایل ۲. تک‌نگاری در یک فضیلت خاص ۳. اربعین‌نگاری ۴. بیان تفسیر یا تأویل آیات قرآن در زمینه مناقب اهل‌بیت ۵. بیان اسناد روایات مناقب و مستندسازی آنها ۶. اختصاص باب یا ابواب مناقب در کتب حدیثی ۷. اشاره به مناقب نیاکان، خاندان و نزدیکان پیامبر(ص) و اهل‌بیت ۸. تک‌نگاریهای خاص. اصغرپور که به تحقیق در زمینه مناقب‌نگاری در پنج قرن نخست قمری پرداخته است، پس از ارائه این تقسیم‌بندی کلی، چنین اظهار می‌دارد که به ۲۳۷ عنوان کتاب و رساله نگاشته شده در زمینه مناقب اهل‌بیت دست یافته است.^۱ جابر بن یزید جعفی (د ۱۲۸ق) نخستین کسی است که به نگارش کتابی با نام کتاب الفضائل در فضایل اهل‌بیت همت گماشته است و یکی از کامل‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کتابها در این باره طی این دوران، المناقب و المثالب قاضی نعمان بن محمد مغربی (ابن حیون) است که در هر دوره تاریخی ضمن اشاره به مناقب اهل‌بیت از مثالب دشمنان هم‌عصر با آنان نیز سخن می‌گوید و بنابر اظهار خود مؤلف، وی در این کتاب به ترتیب به بیان مناقب و مثالب هاشم و عبدالشمس و فرزندان آنها طی دوران جاهلیت و اسلام پرداخته است.^۲ برای آشنایی بیشتر با سایر آثار نوشته شده در این زمینه طی سه قرن نخستین قمری، می‌توان به مقاله اصغرپور در این زمینه مراجعه نمود.

تاکنون پژوهشهای نسبتاً گسترده‌ای درباره مناقب‌نگاری اهل‌بیت و تاریخ‌نگاری ائمه، به ویژه در میان شیعیان و آثار شیعی، صورت گرفته است، که از جمله این پژوهشها به زبان فارسی می‌توان به «نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، و منابع تاریخ اسلام، نوشته رسول جعفریان و «ترجمه کتب سیره و مناقب امامان در عصر صفوی»، «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، «سیره نبوی در کتاب بحار الانوار» و «تأثیر حاکمیت صفویه بر کتابهای سیره و مناقب دوازده امام» نوشته غلامحسین حسین‌زاده‌شانه‌چی اشاره نمود. اما از جمله منابعی که می‌توان از طریق آنها با مناقب‌نگاری درباره ائمه اطهار آشنا شد، کتاب‌شناسیها، کتابنامه‌ها و فهرست‌واره‌های فراهم آمده در این زمینه می‌باشد. فهرست‌واره نسخ خطی احمد منزوی

اثری گران‌بهاست، که نمایانگر حجم عظیم کارهای انجام نشده در برابر کارهای صورت گرفته است. اثر بزرگ عبدالجبار رفاعی، معجم ما کتب عن الرسول و اهل‌البیت، اثری بی‌مانند در ترسیم حجم انبوه آثار تألیفی پیرامون اهل‌بیت عصمت و طهارت می‌باشد. یکی دیگر از این آثار کتابنامه ائمه اطهار ناصرالدین انصاری قمی می‌باشد، که مؤلف در آن به معرفی بیش از ۱۶۰۰ عنوان کتاب درباره ائمه اطهار پرداخته است؛ که البته به علت کثرت منابع نوشته شده درباره پیامبر اکرم، امام علی، امام حسین و امام زمان(ع)، به کتابنامه‌های آنها پرداخته نشده است.^۳

مناقب‌نگاری در میان اهل سنت

در میان فرقه‌های مختلف مذاهب اهل سنت، علمای بزرگی به خلق اثر در این زمینه پرداخته‌اند؛ مثل حدیث الطیر، فضائل فاطمه و مناقب الرضا نوشته حاکم نیشابوری شافعی، مناقب اهل‌بیت نوشته ابن مغزالی مالکی، و المعیار و الموازنه نوشته اسکافی معتزلی و نیز اثری از احمد بن حنبل (مؤسس مذهب حنبلی).^۴

در کتابخانه ملی پاریس سه نسخه خطی فارسی از داستان ابومسلم‌نامه نگاهداری می‌شود که هر یک از آنها ویژگیها و امتیازات خاص دارد. یکی از این سه نسخه با نشانه ۸۴۳ Supplement Persan نسخه‌ای ناقص می‌باشد که در هند کتابت شده است. با آنکه بافت اصلی داستان در هر سه نسخه یکی است، اما از جهت تفصیل و اختصار و سبک داستان‌سرایی و یاد کردن جزئیات مختلف داستان، با یکدیگر تفاوت دارند و نسخه مورد نظر ما تنها نسخه‌ای است که در آن دو سه قصیده منقبت‌خوانی در طی داستانهای گوناگون ابومسلم‌نامه ثبت شده است. یکی از نکات اصلی کتاب ابومسلم‌نامه این است که گوید پس از شهادت امام حسین(ع) و استقرار دستگاه ستمگر خلافت اموی و در تمام مدت حکمرانی این سلسله، گروهی به خون‌خواهی امام حسین قیام کردند. اما پیش از این قیامها، افراد خاندان پیغمبر پیشگویی کرده بودند که پس از فاجعه کربلا بنی‌امیه در حدود هزار ماه (دقیقاً ۹۵۰ ماه معادل ۷۹ سال و دو ماه یا به تعبیر داستان هزار کم پنجاه ماه) حکومت خواهند کرد. در این مدت هفتاد و دو تن به خون‌خواهی حسین بن علی(ع) قیام خواهند کرد و قیام تمام آنان به جز صاحب خروج هفتاد و دوم سرکوب خواهد شد و تنها هفتاد و دومین قیام‌کننده موفق به انتقام بنی‌امیه و گرفتن انتقام خون امام حسین خواهد

۳. کتابنامه ائمه اطهار، صص ۱۲ و ۱۳.

۴. «کتاب‌شناسی تاریخی مناقب‌نگاری اهل‌بیت از آغاز تا پایان قرن سوم»، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۱. «کتاب‌شناسی تاریخی مناقب‌نگاری اهل‌بیت از آغاز تا پایان قرن سوم»، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲. همان، صص ۱۳۵ و ۱۳۹؛ شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۱، ص ۵۹؛ ج ۲، ص ۹۸.





شد. به همین سبب در آغاز داستان، ابومسلم بارها نیت می‌کند که اگر در این یا آن واقعه پیروز شود، وی صاحب خروج هفتاد و دوم خواهد بود و بدیهی است که در تمام این حوادث پیروزی با اوست. از این رو انگیزه اصلی ابومسلم و شعار اصلی که با اتکا بدان مردم را به پیوستن به قیام خویش دعوت می‌کند، جلوگیری از ستم غاصبان بنی‌امیه، برانداختن بدگویی از خاندان پیغمبر در مسجدها و بر سر منابر و خون‌خواهی شهیدان کربلاست. ابومسلم و یارانش چه در جلسه‌هایی که برای تهیه مقدمات قیام و مشورت در باب آن دارند، و چه در میدانهای جنگ، همه‌جا برای تشجیع و تشویق هم‌زمانش از ظلمی که به خاندان رسول، خاصه امام حسین رفته سخن می‌گوید و به صحرای کربلا گریز می‌زند و به ستایش افراد خاندان پیغمبر خاصه امیرالمؤمنین امام علی(ع) و فرزندش امام حسین(ع) می‌پردازد و طرف‌داران بنی‌امیه را خوارج می‌خواند و با آنکه کاتب این نسخه خاص، سنی است، اما این امر مانع آن نیست که منقبت امامان را در ضمن کتاب بیاورد.^۵

اما یکی از بهترین منابعی که به منقبت‌نگاری درباره اهل بیت در میان اهل سنت اشاره کرده است، کتاب *التقض ملا عبدالجلیل قزوینی* است. این کتاب نخستین و قدیمی‌ترین شهادتی است که در باب مناقب خوانی و فضایل خوانی به دست ما رسیده است. چنان که می‌دانیم علت پدید آمدن کتاب *التقض* این بوده که مردی از سنیان متعصب و دشمنان مذهب شیعه (که به قصد توهین بدیشان آنان را ناصبی خوانند) کتابی در رد شیعه و عیب‌جویی از آنان نوشته و آن را *بعض فضائح الروافض* (یعنی بعضی رسواییهای شیعیان که رافضی لقبی است که به قصد توهین به شیعیان داده می‌شد و به معنی خارجی یعنی خارج از دین است) نامیده بود. صاحب کتاب - گویا برای حفظ جان خود و اینکه ناگاه به دست شیعی متعصبی کشته نشود و بدنامی تازه‌ای برای شیعیان که آن روز در اقلیت بودند، به بار نیآورد - در هیچ جا نام نویسنده این رساله را یاد نکرده است. اما بنا به تحقیق مصحح کتاب، نام وی شهاب‌الدین تواریخی شافعی است. بر حسب اتفاق، اصل این نسخه به دست شهاب‌الدین محمد بن تاج‌الدین افتاد که از رؤسای شیعه ری بوده است و او آن را برای عبدالجلیل رازی فرستاد. وی در کتاب خود نخست عبارات رساله ردیه را نقل کرد و سپس به هر جمله آن جواب نوشت و کتاب خود را *بعض مطالب النواصب فی تقض بعض فضائح الروافض* نام نهاد و چون این عنوان بسیار دراز بوده، کتاب در عرف عام به *التقض* معروف شده است.

بنا به گفته وی «معلوم همه جهانیان است که بزرگان و معتبران

ائمه فریقین، از اصحاب امام مقدّم بوحنیفه و امام مکرم شافعی، و علما و فقهای طوائف خلفا از سلف این سنت را رعایت کرده‌اند، و این طریقه را نگاهداشته‌اند. خود شافعی که اصل است در مذهب، و مذهب بدو منسوب است، بیرون از مناقب، در حق حسین و شهدای کربلا ... مراثی بسیار گفته است». آن‌گاه مؤلف مطلع دو قصیده از شافعی را نقل می‌کند و سپس می‌نویسد: «تا آخر همه مرثیه اوست، به صفتی که دیگران بر چنان معانی قادر نباشند؛ و مراثی شهدای کربلا که اصحاب بوحنیفه و شافعی را هست بی‌عدد و بی‌نهایت است. پس اگر عیب است اول بر بوحنیفه است و بر شافعی و اصحاب ایشان، آن‌گه بر ما». «و چون فروت آبی معلوم است که خواجه بومنصور ما شاده به اصفهان، که در مذهب اهل سنت به عهد خود مقتدا بوده است، هر سال این روز تعزیت داشته است به آشوب و نوحه و غریو و ولوله، و بر علی و حسن و حسین(ع) آفرین کرده، و بر یزید و عبیدالله در اصفهان لعنت آشکارا کرده؛ و کذلک شرف‌الاسلام صدر الخجندی و برادرش جمال‌الدین این تعزیت به آشوب و نوحه و غریو ولوله داشته‌اند و هرکس به آنجا رسیده باشد دیده و دانسته باشد و هرگز انکار آن نکند». «آن‌گاه در بغداد که مدینه السلام و مقر دارالخلافه است خواجه علی غزنوی حنفی دانند که این تعزیت چگونه داشتی تا به حدی که روز عاشورایی در لعنت سفیانیان مبالغتی می‌کرد. سائلی برخاست و گفت: معاویه را چه گویی؟ به آوازی بلند گفت: ای مسلمانان! از علی می‌پرسد که معاویه را چه گویی؟ آخر دانی که علی معاویه را چه گوید!» و «امیر عبادی که علامه روزگار و خواجه معنی و سلطان سخن بود او را در حضرت المقتدی الامر الله پرسیدند، روزی که فردا عاشورا خواست بودن، که چه گویی در معاویه؟ جواب نداد تا سائل سه بار تکرار کرد. بار سوم گفت: ای خواجه سؤالی مبهم می‌کنی. نمی‌دانم که کدام معاویه را می‌گویی؟ این معاویه را که پدرش دندان مصطفی بشکست و مادرش جگر حمزه بخایید و او بیست و چند بار تیغ روی علی مرتضی کشید و پسرش سر حسین علی برید، ای مسلمانان شما این معاویه را چه گوید؟ مردم در حضرت خلافت - حنفی و سنی و شافعی - زبان به لعنت و نفرین برگشودند، و مانند این بسیار است و تعزیت حسین هر موسم عاشورا به بغداد تازه باشد یا نوحه و فریاد». «و اما به همدان، اگرچه مشبه را غلبه باشد ... هر سال محمّدالدین مذکر همدانی در موسم عاشورا این تعزیت به صفتی دارد که قمیان را عجب آید. و خواجه امام نجم ... نیشابوری با آنکه حنفی مذهب بود این تعزیت به غایت کمال داشتی و دستار از سر برگرفتی و نوحه کردی و خاک پاشیدی و فریاد از حد بیرون کردی». عبدالجلیل چون

۵. «از فضائل و مناقب خوانی تا روضه خوانی»، صص ۴۰۸-۴۱۰.

اهل ری است در مورد اقامه مراسم عاشورا به وسیله سنیان ری (که نیمی از ساکنان آن شهر را تشکیل می‌دادند و گروهی شافعی و جمعی حنفی بودند) توضیحات بیشتری می‌دهد و نام و نشان علمای اهل سنت و محلّ مجلسهای تعزیت ایشان را یاد می‌کند: «و به ری که از امّات بلاد عالم است معلوم است که شیخ بوالفتوح نصرآبادی و خواجه محمود حدّادی حنفی و غیر ایشان در کاروانسرای کوچک و مساجد بزرگ روز عاشورا چه کرده‌اند از ذکر تعزیت و لعنت ظالمان، و در این روزگار (عصر مؤلف) آنچه هر سال خواجه امام شرف‌الائمہ ابونصر الهسنجانی کند در هر عاشورا به حضور امرا و ترکان و خواجهگان و حضور حنفیان معروف و همه موافقت نمایند و یاری کنند و این قصه به وجهی گوید که دیگران خود ندانند و نیارند گفتن، و خواجه امام بومنصور حنفی که در اصحاب شافعی مقدم و معتبر است ... دیدید که روز عاشورا چه کرد و این قصه بر چه طریق گفت و حسین را بر عثمان درجه و تفضیل چگونه نهاد و معاویه را باغی خواند در جامع سرهنگ؛ و قاضی عمده ساوهای حنفی که صاحب سخن و معروف است در جامع طغرل با حضور بیست هزار آدمی این قصه به نوعی گفت و این تعزیت به صفتی داشت از سر برهنه کردن و جامه در بدن که مانند آن نکرده بودند. مصنف کتاب [بعض فضایح الروافض] اگر رازی است دیده باشد و شنوده؛ و خواجه تاج اشعری حنفی نیشابوری روز عاشورا بعد از نماز در جامع عتیق دیدید که چه کرد در سنه خمس و خمسین و خمس مائه (۵۵۵) با اجازه قاضی ... پس اگر بدعت بودی ... چنان مفتی رخصت ندادی و چنین ائمّه روا نداشتندی، و اگر خواجه ... به مجلس حنفیان و شیعیان زفته باشد آخر به مجلس شهاب مشاط رفته باشد که او هر سال چون ماه محرّم درآید ابتدا کند به مقتل عثمان و علی، و روز عاشورا به مقتل حسین علی آورد، تا سال پیرا به حضور امیران و خاتون امیر اجل این قصه به وجهی بگفت که بسی مردم جامه‌ها چاک کردند و خاک پاشیدند و سرها برهنه کردند و زاریها نمودند. حاضران می‌گفتند که زیادت از آن بود که شیعه به زعفران جار^۶ کنند ... والا در بلاد خوارج و مشبّهه که روا ندارند تعزیت در عاشورا، دگر همه شفعویان و حنفیان و شیعه این سنت را متابعت کرده‌اند. پس خواجه پنداری از این هر سه مذهب بیزار است و خارجی است. پس باید که به خوزستان و کردستان شود تا نبیند و نشنود که تعصب او راست و کس را نیست ...»^۷ گفتار عبدالجلیل رازی درباره مراسم

۶. زعفران جار، ظاهراً صورتی دیگر است از «زعفران‌زار» یعنی مرکز کشت زعفران و چنان‌که از گفتار مؤلف *التقض* برمی‌آید آن نام محله‌ای شیعه‌نشین در ری بوده است.

۷. *التقض*، صص ۴۰۲-۴۰۶.

تعزیت داری اهل سنت سندی است سخت معتبر و گران‌بها و بازمانده از قرن ششم قمری که در آن بسیاری از جزئیات این مراسم یاد شده و از لحاظ تصریح به جزئیات قضیه و دادن نام و نشان برپا دارندگان این مراسم و شهرها و محله‌های آن و یاد کردن نام بزرگانی از اهل سنت (و حتی خلیفه المقتفی لامرالله) در این گونه مجالس منحصر به فرد است. امیران و بزرگان شهر و زنان ایشان، تا مقام خلافت، و نیز بزرگان علما و قاضیان در این گونه مجالس حضور می‌یافته‌اند و به تصریح مؤلف گاه تعداد حاضران این انجمنها (از اهل سنت) به بیست هزار تن می‌رسیده است. البته معاویه به علت داشتن سمت کتابت وحی و لقب *خال المؤمنین* غالباً از طعن و لعن در امان بوده و سخنوران به لعن یزید اکتفا می‌کرده‌اند. اما گاه سائلی در مجلس، برای به دام انداختن واعظ عقیده او را در باب معاویه می‌پرسیده است و واعظان اگر معروف به علم کامل و دارای دلیری کافی بوده‌اند، بی‌آنکه زبان به نفرین و بدگویی بگشایند، به طوری درباره او سخن می‌گفته‌اند که به لعن وی منجر می‌شده است.^۸

عبدالجلیل در ضمن بیان نام شماری از شاعران شیعی مذهب می‌نویسد: «فردوسی و فخر جاجرمی شیعی بوده است، و در کسائی خود خلافتی نیست که همه دیوان او مدائح و مناقب حضرت مصطفی و آل اوست، و عبدالملک بیان ... و کافی ظفر همدانی اگر چه سنی بوده است، اما مناقب بسیار دارد در مدح علی و آل علی ... و در دیوانش مکتوب است تا تهمت‌ش نهند به تشییع، و اسعدی قمی و ... امیر قوامی و غیر اینان ... که همه توحید و زهد و موعظت و منقبت گفته‌اند بی حد و اندازه‌اند. و اگر به ذکر همه شعرای شیعی مشغول شویم از مقصود خود بازمانیم، و خواجه سنائی غزنوی که عدیم النظیر است در نظم و نثر، و خاتم الشعراش نویسد، منقبت بسیار دارد و این خود یک بیت است از آن جمله: جانب هرکه با علی نه نکوست هرکه گو باش، من ندارم دوست»^۹.

از میان اهل سنت کسانانی - به دلایلی - شرحی بر زندگی دوازده امام نوشته‌اند، که از این افراد با اصطلاح سنی دوازده امامی می‌توان یاد کرد. *تذکره الخواص* اثر یوسف بن فرغلی بن عبدالله بغدادی سبط ابی‌الفرج عبدالرحمن بن جوزی (۵۸۱-۶۵۴ق) به شرح مناقب اهل بیت و از جمله دوازده امام پرداخته و در زمینه آثاری از این قبیل باید یکی از نخستین آثار به شمار آید. کتاب *الآل* از ابن خالویه (د ۳۷۰ق) نیز باید از این قبیل کتابها باشد که اربلی مواردی از آن را در *کشف الغمه* نقل کرده است. از چهره‌های برجسته این جریان، کمال‌الدین محمد بن طلحه شافعی (د ۶۵۲ق) نویسنده اثر

۸. «از فضائل و مناقب خوانی تا روضه خوانی»، صص ۴۲۴ و ۴۲۵.

۹. *التقض*، ص ۲۵۲.





پراج مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول است. اربلی از وی به دلیل آنکه در کتاب خود شرح حال دوازده امام را آورده ستایش کرده است. عبدالعزیز بن محمد، معروف به ابن اخضر گنابادی (د ۶۱۱ق) در کتاب معالم العترة النبویة و معارف اهل البيت الفاطمیة العلویة، مطالب را فقط تا امام یازدهم آورده و به همین دلیل مورد انتقاد علی بن عیسی اربلی قرار گرفته است. دو نمونه مهم دیگر یکی الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة از ابن صباغ مالکی (د ۸۵۵ق) و دیگری الشذرات الذهبیة فی تراجم الائمة الاثنی عشریة عند الامامیة از شمس الدین محمد بن طولون (د ۹۵۳ق) است. حمدالله مستوفی نویسنده نزهة القلوب و تاریخ گزیده، در کتاب دوم خود، ابتدا شرحی از تاریخ خلفای نخست را به دست داده و سپس به بیان شرح زندگی و فضایل امام امیرالمؤمنین می‌پردازد. در ادامه در صفحه ۱۹۸ شرحی از زندگانی امیرالمؤمنین و حافد رسول رب العالمین امام المجتبی حسن بن علی المرتضی (ع) آورده است. فصل سوم از باب سوم کتاب را نیز به دیگر امامان اختصاص داده است، با این عبارت که «در ذکر تمامی ائمه معصومین رضوان الله علیهم اجمعین که حجة الحق علی الخلق بودند، مدت امامتشان از رابع صفر سنه تسع و اربعین تا رمضان سنه اربع و ستین و مأتین دویست و پانزده سال و هفت ماه. ائمه معصوم اگرچه خلافت نکردند اما چون مستحق، ایشان بودند تبرک را از احوال ایشان شمه‌ای بر سبیل ایجاز ایراد می‌رود». این شرح تا بیان زندگانی امام زمان (عج) ادامه یافته است. اثر مهم دیگر کتاب فصل الخطاب خواجه محمد پارسا از قرن نهم است که با وجود اصرار بر تسنن و حتی موضع‌گیری شدید بر ضد روافض، شرح احوال امامان را آورده است. این بخش از کتاب در میراث اسلامی ایران دفتر چهارم به چاپ رسیده است. مؤلف کتاب روضات الجنان و جنات الجنان، یعنی درویش حسین کربلایی (قرن دهم) نیز فصلی بلند به شرح حال امامان اختصاص داده است. کتاب مزبور به چاپ رسیده است. کتاب با ارزش وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم اثر فضل الله بن روزبهان خنجی (د ۹۲۷ق) که به ضدیت با تشیع و دولت صفوی شهره است، در شرح زندگانی چهارده معصوم تألیف شده است. کُنه الاخبار از مؤلفات قرن دهم قمری در سایه دولت عثمانی تألیف شده و شرح حال دوازده امام را دارد. الصواعق المحرقة اثر ابن حجر هیثمی که آن را در رد بر روافض نگاشته، مشتمل بر شرح حال امامان و مناقب آنهاست. یکی از مهم‌ترین چهره‌های این نگرش، ملا حسین کاشفی است که در کتاب روضة الشهداء شرحی مختصر از زندگی انبیا و دوازده امام و نیز مطالبی در

عزاداری برای آنها آورده و در آن، مفصل‌ترین بخش را به امام حسین (ع) اختصاص داده است. کتاب دیگر در این زمینه کتاب المقصد الاقصی از کمال‌الدین خوارزمی است که ضمن آن علاوه بر شرح حال خلفا، شرح حال دوازده امام را نیز آورده است.^{۱۰}

مناقب‌نگاری صوفیانه در قرن نهم

صوفیانی که در قرن نهم در شرق سلطه دارند، آثار محدودی طی این قرن پدید آوردند که نوعاً شرح طبقات اقطاب آنها و سلسله مشایخ بود که طبعاً شامل بخشی از تاریخ اسلام و نیز تاریخ امامان شیعه می‌شد. در این تواریخ به دلیل غلبه نگرش صوفیانه، نوعی نگرش غیر تجربی در تاریخ و نیز شرح حال نویسی رواج یافت که سرسلسله آن رشته تألیفها، طبقات الاولیا و امثال آن در چند قرن پیش از آن بود. زندگی اقطاب، خارج از دایره معمول زندگی انسانها شکل می‌گیرد و همه چیز بارها فراتر از حد طبیعی خود قرار دارد. لیست طوبلی از این قبیل آثار تاریخی که نوعاً فاقد ارزش علمی در حوزه تاریخ‌نگاری است و هم‌زمان با از میان رفتن تصوف ارزش خود را از دست داده است، در ادبیات فارسی استوری، بخش تاریخ، آمده است. برخی از مشهورترین آنها در میان اهل سنت صوفی مسلک که مردم عمدتاً نگرش تاریخی خود را از آنها می‌گرفتند، عبارتند از: المقصد الاقصی فی ترجمة المستقسی، از متن عربی آن آگاهی در دست نیست و ترجمه به دست کمال‌الدین حسین خوارزمی در قرن نهم انجام شده است؛ المجتبی من کتاب المجتبی فی سیرة المصطفی، سیر النبی از جامی؛ مولود حضرت رسالت پناه محمدی از جامی؛ شواهد النبوة لتقویة یقین اهل الفتوة نیز از جامی؛ این کتاب بسیار شهرت یافته و صدها نسخه خطی از آن بر جای مانده است. بیان حقائق احوال سید المرسلین از جمال‌الدین احمد اردستانی مشهور به پیر جمال صوفی مشهور؛ معارج النبوة فی مدارج الفتوة از معین‌الدین فراهی (د ۹۰۷ق). این کتاب نیز شهرت فراوانی دارد؛ روضة الاحباب فی سیر النبی و الآل و الاصحاب از امیر جمال‌الدین عطاءالله بن فضل الله حسینی دشتکی شیرازی که در سال ۹۰۰ق تألیف شده و از شهرت چشمگیری برخوردار بوده است؛ تحفة الاحباء فی مناقب آل العباء از همو، که در مناقب اهل بیت نگاشته شده است؛ آثار احمدی از احمد بن تاج‌الدین حسن بن سیف‌الدین استرآبادی، که از آثار سنین دوازده امامی است و به کوشش میرهاشم محدث در سری انتشارات (میراث مکتوب) چاپ شده است. آثاری دیگر که یا به نثر است یا به نظم و حاوی نگرش قدسی از نوع صوفیانه در این دوره، «نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، صص ۹ و ۱۰.

فراوان است. عناوینی نظیر: *نادر المعراج و بحر الاسرار*، *حملة حیدری*، و *محاربه غضنفری*. یاد از این کتابها در این مقال، به دلیل تأثیری است که در ادبیات تاریخ‌نگاری شیعه داشته است. نمونه واضح در ارتباط این دو ادبیات، *روضه الشهداء* ملا حسین کاشفی است که دقیقاً دیدگاههای حاکم بر هرات را به تشیع ایران انتقال داده و خود تا صدها سال متنی پرنفوذ در میان شیعیان بوده است.^{۱۱} همین مکتب هرات بعدها پایه‌گذاری مکتب صفویه را بر عهده گرفت.

مناقب‌نگاری در میان شیعیان

در میان شیعیان، این امر درباره دوازده امام مصداق یافته است. تدوین سیره امامان از قرن دوم قمری در کنار دیگر تألیفات شیعیان انجام شده و حاصل آن طی چندین قرن، کتابهای فراوانی است که شماری از آنها تا به روزگار ما باقی مانده است. از آن میان می‌توان به کتابهای *الارشاد* شیخ مفید (د ۴۱۱ق)، به عنوان نخستین مرجع مهم در تاریخ‌نگاری ائمه برای مورخان بعدی،^{۱۲} *تساج الموالید* و *نیز اعلام الوری طبرسی* (د ۵۴۸ق)، *الخرائج و الجرائح* راوندی (د ۵۷۳ق)، *المناقب ابن شهر آشوب* (د ۵۸۸ق) و *مناقب الطاهرین عمادالدین طبری* (زنده در ۶۹۸ق)^{۱۳} اشاره کرد. عمادالدین طبری نویسنده کامل بهایی، *مناقب الطاهرین و تحفة الابرار* نگارشی کلامی - تاریخی بر موضوعات مهم شیعی کرده و از زمانه خود نیز گاه و بیگاه آگاهی‌هایی به دست داده است. کتاب پر حجم *احسن الکبار فی معرفت الائمة الاطهار* نوشته ابن عرب شاه، محمد ورامینی فرزند ابوزید در سال ۷۴۰ق است، که

۱۱. همان، ص ۱۲.

۱۲. برای کسب اطلاعات بیشتر نک: «*الارشاد* و تاریخ‌نگاری زندگانی ائمه».

۱۳. این کتاب با نثر ساده و روان نگاشته شده و موضوع آن بحثهای کلامی درباره امامت و حقانیت تشیع، تواریخ و مناقب و معجزات چهارده معصوم (ع) است. مؤلف در اوایل آن می‌نویسد: «بدان که تصنیف کردن این کتاب (مناقب الطاهرین) از هجرت رسول (ص)، ششصد و هفتاد و یک سال است». بخش عمده کتاب را به نقل معجزات چهارده معصوم (ع) پرداخته و به ظن قوی همه مطالب کتاب *الناقب فی المناقب* - نگاشته ابن حمزه (قرن ۶ق) - را ترجمه کرده است. از مناقب الطاهرین چهار نسخه خطی شناسخته شده است که مشخصات آنها به این شرح است: ۱. نسخه خطی متعلق به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، با شماره ۱۵۸۲ و تاریخ کتابت ۱۰۵۷ق ۲. نسخه خطی متعلق به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، با شماره ۸۰۹ و تاریخ کتابت ۱۰۶۷ق ۳. نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملک تهران، با شماره ۳۸۹۲ و تاریخ کتابت ۱۰۸۸ق ۴. نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با شماره ۴۹۰۱ و بدون تاریخ و ناقص (ر.ک: «عمادالدین طبری و مناقب الطاهرین»، صص ۲۷۷ و ۲۷۸).

در آن به بیان زندگی‌نامه امامان، از زایش تا مرگ آنان، در ۷۸ باب پرداخته است. ملا علی زواره‌ای به دستور شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) گردیده‌ای از آن را با نام «*لوامع الانوار*» فراهم آورده است. از این اثر سه نسخه - از جمله در کتابخانه آیت الله مرعشی - بر جای مانده است.^{۱۴} کتاب *رامش افزای آل محمد* از محمد بن حسین محتسب، اثری ده جلدی در تاریخ انبیا و امامان بوده که منتجب‌الدین آن را دیده و بخشی از آن را نزد مؤلف خوانده است. چنان که دو نقل از آن در مناقب ابن شهر آشوب آمده که یکی درباره زندگی امام مجتبی و دیگری درباره علم امام صادق (ع) است و در *الفهرست* منتجب‌الدین از آن یاد شده، اما اثری از وی پس از قرن هشتم یافت نشده است. *مباهج المہج فی مہاج الحجج* از قطب‌الدین کیدری نویسنده برجسته شیعی است که به احتمال بسیار قوی در قرن ششم زندگی می‌کرده است. این کتاب که به عربی بوده، به وسیله حسن بن حسین شیعی سبزواری در قرن هشتم به فارسی درآمده و مترجم، نامش را *بہجة المہاج* گذاشته است. وی این ترجمه را به خواجه نظام‌الدین یحیی بن شمس‌الدین که از سال ۷۵۳ تا ۷۵۹ق به عنوان یکی از فرمانروایان سرداری در خراسان حکومت داشته اهدا کرده است. *بہجة المہاج* در قرن دهم توسط شاعری کاشانی با نام حیرتی تونی به نظم کشیده شد. حسن شیعی سبزواری کتابی هم با نام *راحة الارواح و مونس الاشباح* که مشتمل بر حکایات و لطایفی درباره زندگی پیامبر و اهل بیت است نگاشته که نسخه‌های آن بر جای مانده است.

متنی دیگر با عنوان *تاریخ محمدی* یا *تاریخ رشیدی* یا *تاریخ دوازده امام* یا *فهرست ائمه* وجود دارد که در وصف آن گفته شده است: «در تاریخ تولد پیامبر و امامان با نام و نسب و لقب و زادگاه و جای قبرشان به نظم» با تاریخ بیستم ذی قعدة ۸۱۹ق که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۶۲۶ نگهداری می‌شود. این اثر از ملا حسن کاشی است که از نزدیکان سلطان محمد خدابنده بوده و در تشیع آن دوره سهمی بسزا دارد. وی این کتاب را در سال ۷۰۸ق که شصت سال از زندگیش را سپری کرده بوده در حلّه و بغداد نگاشته است. کتابی هم با نام *تاریخ عترت* در سال ۸۰۳ق در حلب تألیف شده که متن آن را مرحوم دانش‌پژوه چاپ کرده است. ۱۵ البته سیره‌نگاری دوازده امام به شیعیان اختصاص نداشت، بلکه تألیفاتی از این دست را می‌توان در بین آثار نویسندگان اهل سنت، به ویژه از قرن ششم قمری به بعد یافت.

توجه شیعیان به سیره‌نگاری متأثر از انگیزه‌های مختلفی بود

۱۴. *فهرست‌واره کتابهای فارسی*، ج ۳، ص ۱۵۳۶.

۱۵. «نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، صص ۱۰ و ۱۱.





که مهم‌ترین آنها، به نزاعهای کلامی فرقه‌های اسلامی در باب امامت بازمی‌گشت. در واقع، شیعیان برای اثبات امامت دوازده امام و حقانیت ایشان در مقام خلافت، به تدوین کتابهایی مبادرت می‌ورزیدند که ضمن معرفی شخصیت ایشان، ویژگیهای فردی و اجتماعی آنان را به عنوان تنها انسانهای واجد شرایط برای مقام امامت و خلافت بیان کند. کتابهای سیره ائمه که تا قرنهای ششم و هفتم قمری نوشته شد، منبعی برای تألیفات سده‌های بعد گردید، به خصوص سده‌های دهم و یازدهم قمری که با افزایش شمار این گونه تألیفات همراه بود.^{۱۶}

مناقب‌نگاری ائمه، یا بنیان مشروعیت دولت صفوی

این‌گونه تألیفات از آغاز حاکمیت صفویان (۹۰۷ق) بر ایران به سبب فراهم شدن فضای بازتر مذهبی و نیز حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم شاهان صفوی از تدوین کتابهای علمی - مذهبی رو به افزایش نهاد. این مسئله، به ویژه در عهد شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) که خود مشوق مؤلفان و مترجمان بود، رونق بیشتری یافت، به طوری که تنها به فرمان وی دو کتاب در موضوع سیره به قلم علی بن حسن زواره‌ای (د ۹۸۸ق) نویسنده و مترجم پرکار این عصر، تألیف و ترجمه شد.^{۱۷} جز کتابهای نوشته شده به دستور شاهان و دولت‌مردان صفوی، تألیفاتی نیز به نام ایشان تألیف و به آنان تقدیم می‌شد که شمار آنها در این دوران بسیار است.^{۱۸} این رویه، در اواخر عهد صفوی به اوج خود رسید، به طوری که در دوره شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق) بیش از ۱۳۰ کتاب به نام وی نوشته شد. تأثیر غیرمستقیم حاکمیت صفویان بر افزایش مناقب‌نگاری که از طریق فراهم شدن زمینه مساعدتر برای فعالیت نویسندگان شیعه و آزادی عمل بیشتر عالمان شیعه برای ابراز عقایدشان و ترویج مذهب تشیع تجلی یافته بود، موجب خرسندی آنان شد و این خرسندی را می‌توان در تجلیل و تمجیدهای مؤلفان مذکور در مقدمه کتابهایشان از شاهان صفوی و عملکرد ایشان در ترویج و تعالی مذهب تشیع مشاهده کرد.^{۱۹} به عنوان نمونه می‌توان به محمد بن اسحاق حموی اشاره نمود که در ضمن بیان احوال امام جعفر صادق در این باب می‌نویسد: «بدان چون مدتها بلاد اسلام در تحت تصرف مخالفان

تیره انجام بوده، بدع بسیار واقع و ناشایست بی‌شمار شایع شده بود. چون شاه فلک جاه علیین بارگاه جنت آرامگاه الذی انزل السماء بعدد الائمه و التنزیل ابوالقاء سلطان شاه اسماعیل انار الله برهانه پای معاودت بر سریر معدلت نهاد، ابواب شفقت و رأفت بر روی عالمیان گشاد و در تنفیذ احکام شریعت و اعلائی اعلام ملت و ترویج مذهب حق امامیه و استمالت قلوب طایفه ناجیه سعی موفور و جهد مشکور مبذول داشت و به تغلیق ابواب ناشایست همت گمارد ... اما ... داعی حق را لیبک اجابت گفته و به ریاض قدس خرامید و تخت سلطنت به اعلی حضرت شاه شیعه پرور و ناصب رایات ائمه اتنی عشر ... ابوالمظفر سلطان شاه طهماسب بهادرخان گذاشت و آن جناب ... به قلع و قمع جمیع ملاحی و مناهی پرداخت و آثار شیعه بدعت و رسوم خلاف شریعت برانداخت».^{۲۰} بدین ترتیب، در عصر صفویه تألیفات متعددی شامل نوزده کتاب در سیره دوازده امام و چهارده کتاب در مناقب ایشان به رشته تحریر درآمد، که در اینجا تنها به ذکر نام شماری از آنها بسنده می‌کنیم: انیس المؤمنین نوشته محمد بن اسحاق حموی (زنده در ۹۳۸ق)،^{۲۱} تاج المناقب نوشته حسین بن عبدالحق اردبیلی (احتمالاً د ۹۵۰ق)، لوامع الأنوار نوشته حسن بن علی زواره‌ای (احتمالاً د ۹۸۸ق)، اخبار علییه در غزوات مرتضویه نوشته محمد فصیح خاکسار در سال ۱۰۵۷ق / ۱۶۴۷م، احسن السیر نوشته محمدکاظم شوشتری فرزند مجتهد حیدر علی در سال ۱۱۴۱ق / ۱۷۰۲-۱۷۰۳م، فوحات القدس نوشته سید یوسف علی بن محمد جرجانی (قرن یازدهم قمری)، ترجمه الارشاد اثر محمد مسیح کاشانی (قرن یازدهم قمری)، حلیة الأبرار و نیز مدینه المعاجز نوشته سید هاشم بحرانی (د ۱۱۰۷ق)، التمه فی معرفه الائمه نوشته سید تاج‌الدین بن علی عاملی (قرن یازدهم قمری) و کاشف الغمه نوشته میرزا محمد بن محمدرضا قمی (د ۱۰۷۵ق)، ریاض الأبرار نوشته سید نعمه الله بن عبدالله شوشتری موسوی جزایری (د ۱۱۱۲ق)^{۲۲} و آثاری ادبی همچون اساس الایمان سروده سید محمد موسوی متخلص

۲۰. انیس المؤمنین، صص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۲۱. انیس المؤمنین نوشته فاضل‌الدین محمد حموی فرزند اسحاق در سال ۹۳۸ق است. نویسنده نخست منهج الفاضلین را به تفصیل به فارسی نگاشته و سپس این کتاب را از آن گزیده است. این کتاب در سرگذشت امامان و برتری ایشان می‌باشد و دارای یک مقدمه و دوازده باب است. دو نسخه نیز از آن باقی مانده است (ر.ک: فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۵۶).

۲۲. این کتاب به زبان عربی است و در سال ۱۲۶۱ق توسط حاجی محمد بن غلام با خط نسخ کتابت شده است (نک: فهرست رایانه‌ای نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از ۲۲۷ تا ۵۵۳، ص ۵۳۵).

۱۶. «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، ص ۲۷.
۱۷. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۲، ص ۳۶۸؛ «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، ص ۲۸.
۱۸. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۱۳۳.
۱۹. ر.ک: «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، ص ۲۸.

به «واله» (۱۰۹۵-۱۱۸۴ق) ۲۳ و امام‌نامه سروده اکرم ۲۴ در ۲۰ صفر ۱۱۹۳ق / ۱۷۷۹م. ۲۵

باید توجه داشت که در دوره صفوی، بخشی از تاریخ‌نویسی مربوط به ثبت تحولات تاریخی دولت صفوی است. ما در اینجا قصد شرح چگونگی آن قبیل تألیفات را که نمونه‌های مشهور آن عالم آراهای مختلف (نظیر عالم آرای شاه اسماعیل، عالم آرای شاه طهماسب، عالم آرای صفوی، عالم آرای عباسی؛ و بعد از صفویه: عالم آرای نادری) و *بیا خلاصه التواریخ* و جز آنهاست، نداریم؛ بلکه صرفاً قصدمان اشاره به کتابهای تاریخی و مناقب‌نگاریهایی است که به تاریخ صدر اسلام اعم از سیره رسول خدا(ص) و تاریخ امامان(ع) پرداخته‌اند. گفتنی است که مؤلفان آثار نوع اول، نه عالمان دین، بلکه طایفه دیگری از فرهیختگان جامعه عصر صفوی مانند منشیان و دبیران و احياناً شاعران بودند.

با گذشت مرحله نخست تشکیل دولت صفوی به عهد اسماعیل اول، نوبت به مرحله دوم آن یعنی دوره تثبیت دولت صفوی رسید که شاه طهماسب متکفل آن بود. از اهرمهای اصلی این دولت، توجه به تشیع و نگاهبانی از آن به عنوان یکی از بنیادهای اصلی دولت جدید بود. شاه طهماسب با درک این مطلب، به کار تمیق اندیشه شیعی در ایران پرداخت و از زوایای مختلف، برای تحکیم این امر چهل سال تلاش کرد. در حوزه تاریخ، هدف عمده - در جنبه اثباتی - آشنا کردن مردم با زندگی امامان و - از نظر انتقادی - نقد اعمال مخالفان ائمه در صدر اسلام بود.

۲۳. این کتاب در احوال دوازده امام است. واله در خراسان زاده شد، در حیدرآباد شکوفا شده و در هند در گذشته است. در آن بیست سال کار کرده و در دوازده «اساس» و یک «خاتمه» در سن پنجاه سالگی به اتمام رسانده است. *نجم الهدی* یکی دیگر از آثار وی می‌باشد، که همانند اثر ذکر شده، به نادرست از واله داغستانی دانسته شده است (نک: فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۴۴).

۲۴. سراینده از مردم گورالی (نزد گجرات پنجاب پاکستان) بوده است. از منابع کار او *روضه الشهداء* کاشفی و *جنگنامه محمد حنفیه* تصنیف شیخ سعدی (چنین) می‌باشد. سریندهای کتاب عبارتند از: حمد، نعت، مناجات، سبب تألیف، ولادت امیرالمؤمنین امام حسن(ع)، ولادت امیرالمؤمنین امام حسین(ع)، ولادت یزید، وفات حضرت رسول، خلافت امام حسن، شهادت امام حسن، رفتن امیرالمؤمنین امام حسین از مدینه به مکه، شهادت مسلم بن عقیل، رفتن امام حسین به کربلا و محاربه نمودن با خارجیان و اعدا، ولادت محمد حنفیه، خبریافتن عمرعلی و برادران در بغداد، جنگ ابراهیم اشتر با بهرام زنگی، جنگ ترکان با پادشاه حبش، گرفتار شدن امیرالمؤمنین محمد حنفیه. از این اثر یک نسخه بر جای مانده است (نک: همان، ج ۳، ص ۱۵۵۱).

۲۵. رک: همان، ج ۳؛ معجم ما کتب عن الرسول و اهل‌اللبیت، ج ۱۰ و ۱۱.

گفتنی است که ایران، به ویژه در بخش شرقی، کاملاً با مناقب ائمه آشنا بودند؛ اما به هر روی، توسعه این آشنایی، به رواج هرچه بیشتر تشیع کمک می‌کرد. در واقع، پادشاهان صفوی با حمایت از تشیع و انتساب خود به ائمه به دنبال کسب مشروعیت برای خود بودند؛ همان‌گونه که کوئین به درستی اشاره می‌کند: «مورخان عصر صفوی سلسله نسب خاندان صفویان را به امام موسی کاظم(ع) می‌رسانند. در نتیجه، [آنها] فرمانروایی صفویان را براساس نسب‌شناسی از تبار امام هفتم شیعیان اثنی‌عشری دانسته و از این طریق به آنها مشروعیت می‌بخشند». ۲۶ توجه به این نکته که شاه طهماسب سه بار دستور ترجمه کتاب کشف الغمّه را صادر کرده و این دقیقاً به هدف اشاعه تشیع میان مردم بوده، مؤیدی بر مطلب فوق است.

دلیل دیگر پرداختن به تاریخ اسلام در این دوره، رشد اندیشه‌های اخباری و حدیثی بود. می‌دانیم که در میان اهل سنت نیز، بسته شدن باب اجتهاد از یک سو و غلبه اخباریگری، فقه و عقل (فلسفه) را تضعیف کرد، اما در عوض به تاریخ و رجال مجال بروز داد. در شیعه نیز پس از شیخ مفید، هم فقه اجتهادی تقویت شد، چون باب اخبار بسته شده بود، و هم کلام و فلسفه رشد کرد و در عوض تاریخ و رجال محدود شد. با رشد مجدد اخباریگری در دوره صفوی، تا اندازه‌ای تاریخ نیز مجال ظهور یافت. جز آنکه عامل دیگری سبب محدود شدن آن در استفاده از تاریخ در بحثهای کلامی - به ویژه در مباحث امامت - شد. این مباحث همانهایی بود که در قرن سوم در کتابهایی نظیر *الاستغاثه فی بدع الثلاثه* ظاهر شده بود.

یک ویژگی عمده آثار دوره صفوی آن است که آثار تاریخی گسترده در اختیارشان نبوده است. در این زمان، برخلاف زمان ابن طاووس و اربلی که کتابهای اهل سنت در سرزمین عراق رواجی کامل داشته و شیعیان هم از آنها بهره می‌برده‌اند، فقط کتابهای شیعی در اختیار بوده است. آنچه از کتابهای اهل سنت در آثاری نظیر *اثبات الهداة* یا *بحار الانوار* یا جز آنها آمده، مطالبی است که نوعاً از طریق ابن بطریق، ابن طاووس، اربلی و امثال آنها نقل شده است. البته باید چند کتاب محدود لغت و امثال آنها را استثنا کرد. منابع تاریخی کهن نظیر *تاریخ طبری* یا آثار ذهبی یا ابن کثیر که شایع‌ترین آثار در جهان اهل سنت بوده، چندان مورد ارجاع عالمان شیعی قرار نگرفته است. هنوز نیز یک نسخه از *تاریخ طبری* در بیست مجلد فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی معرفی نشده است و فقط یک نسخه از *مروج الذهب* مسعودی در این بیست جلد شناسانده شده است. از *تاریخ یعقوبی* نیز که اثری شیعی است، یادی در این فهرست نیست؛ بلکه نسخه‌ای

۲۶. «میراث تاریخ‌نگاری عصر صفوی»، ص ۱۲۲.





خطی از آن در ایران وجود ندارد. نیز باید دانست که نسخه‌ای از کتاب *الجمال* شیخ مفید حتی در اختیار علامه مجلسی قرار نداشته است. این همه نشان می‌دهد که این دوره، از لحاظ داشتن منابع تاریخی رایج - چه رسد به منابع گمنامی نظیر *انساب الاشراف* و امثال آن - بسیار بسیار فقیر بوده است. در چندین رساله که در نیمه دوم دولت صفوی درباره ابومسلم نوشته شده، هنوز این تردید وجود داشته که آیا وی یک شیعه امامی است یا مدافع عباسیان! و زمانی که یک نویسنده خواسته است تا او را مدافع عباسیان نشان دهد، فقط *مروج الذهب* را در اختیار داشته و به گونه‌ای از آن سخن گفته که گویی گوهری ناشناخته یافته است.^{۲۷}

ترجمه کتب سیره و مناقب در عصر صفوی

در این دوره آثار فراوانی از میان آثار تاریخی، کلامی و اعتقادی شیعه با هدف گسترش فرهنگ شیعی و رواج آن به عنوان ایدئولوژی رقیب در برابر امپراتوری عثمانی ترجمه شد؛ که همین ترجمه‌ها زمینه را برای خلق آثار عظیم بعدی فراهم نمود. البته فارسی‌سازی متون سیره و مناقب ائمه از قرن ششم قمری آغاز شده بود، ولی در دوره صفویه با توجه به رسمیت یافتن مذهب تشیع اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت و سرعت شتابنده‌ای به خود گرفت، به طوری که به گفته مترجم *تاریخ الحکمای قفقزی* که در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم می‌زیسته، تا آن زمان اکثر علوم متداوله و نقلیه به فارسی ترجمه شده بود. این فرایند فارسی‌سازی از دو طریق تألیف و ترجمه صورت گرفت. از میان آثار ترجمه‌ای می‌توان به *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*، *الإحتجاج طبرسی*، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد* شیخ مفید و *الخراج و الجرائح* قطب‌الدین راوندی، و از میان مترجمان برجسته این دوران می‌توان به علی بن حسن زواره‌ای، نظام‌الدین احمد غفاری، محمد مسیح کاشانی و نعمت‌الله مشهدی رضوی اشاره نمود.^{۲۸}

معرفی کتاب کشف الغمّة

این کتاب نوشته علی بن عیسی اربلی، از شاگردان ابن طاووس و ابن ساعی است. نکته حائز اهمیت در این کتاب این است که اربلی چون این کتاب را با هدف آشنا ساختن اهل سنت با دوازه امام و در نتیجه مذهب تشیع نوشته، در تدوین آن حتی الامکان از منابع اهل سنت استفاده کرده است. این ویژگی برای اهداف

۲۷. «نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، صص ۱۲ و ۱۳.
۲۸. برای کسب اطلاعات بیشتر نک: «ترجمه کتب سیره و مناقب امامان در عصر صفوی».

ترویجی و تبلیغی دوره صفویه کارایی خوبی داشت. علاوه بر این، اربلی در کتابش - به گفته خود او - از پرداختن به نزاعات و جدالهای مذهبی و ذکر مثالب و مطاعن مخالفان و دشمنان ائمه خودداری کرده و هدف خود را در این کتاب بیان مناقب، مزایا و فضایی دانسته که خداوند به اهل بیت اختصاص داده است. این اثر یکی از نخستین آثاری است که در جریان فارسی‌سازی متون شیعه مورد توجه قرار گرفته و بارها ترجمه شده است. برای نخستین بار حسن بن حسین سبزواری شیعی در قرن هشتم قمری، حدود نیم‌قرن پس از تألیف، آن را ترجمه نمود. یکی دیگر از موارد ترجمه *سیر الأئمة*، اثر میرزا محمد ملک‌الکتاب شیرازی است که به تاریخ ۱۳۰۸ ق در بمبئی به صورت سنگی چاپ شده است.^{۲۹}

همان‌گونه که اشاره شد، شاه طهماسب سه بار دستور ترجمه کتاب *کشف الغمّة* را صادر کرده و این دقیقاً به هدف اشاعه تشیع میان مردم بوده است. اولین ترجمه *کشف الغمّة* در عهد صفوی در سال ۹۳۸ ق به قلم علی بن حسن زواره‌ای با نام *ترجمه المناقب* انجام شد. نسخه‌های خطی متعددی از این اثر وجود دارد و در سال ۱۳۸۱ ق نیز به اهتمام میانجی با مقدمه‌ای عالمانه از شعرانی به چاپ رسیده است.^{۳۰} نعمت‌الله بن قریش رضوی یکی دیگر از این مترجمان است. وی در مقدمه ترجمه‌اش می‌نویسد: «چون همواره خاطر عاطر آن جامع مفاخر [شاه طهماسب] متوجه بر این بود که تولا و تبرا در میان مردم آشکار شود و معلوم و مقرر بود که بیشتر مردمان این زمان از اکثر احوال ائمه طیبین (ع) غافلند و معرفت ثواب مناقب ایشان به تفصیل حاصل ندارند، فرمود که کتاب *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة* که جامع‌ترین کتب است در این باب، اگر کسی به فارسی کند نفع آن عام شود و موالیان همه در معرفت امامان کامل و تمام شوند و این نعمتی عظیم و برکتی شامل و عمیم بود». وی سپس شرح می‌دهد که خود به این خدمت قیام کرد.^{۳۱} از این ترجمه فقط بخش مربوط به شرح حال پیامبر (ص) و علی (ع) موجود است. ترجمه سومی هم از آن صورت گرفته که ظاهراً مفقود شده است.^{۳۲} *اکسیر التواریخ* نیز ترجمه گزیده‌ای است که از کتاب *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة* توسط محمد ملک‌الکتاب شیرازی فرزند محمد رفیع صورت گرفته است.^{۳۳}

۲۹. همان، ص ۴۱.

۳۰. برای کسب اطلاعات بیشتر نک: *ترجمه المناقب*، ج ۱.

۳۱. «نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، ص ۱۳.

۳۲. «ترجمه کتب سیره و مناقب امامان در عصر صفوی»، صص ۴۱ و ۴۲.

۳۳. *فهرست‌واره کتابهای فارسی*، ج ۳، ص ۱۵۵۰.

معرفی کتاب بحار الانوار، عظیم‌ترین اثر روایی شیعه

مجلسی هدف از تألیف این کتاب را گردآوری احادیث و علوم اهل بیت عنوان کرده که در کتابهای مختلف پراکنده بود و گذشت زمان و حوادث روزگار، آنها را در معرض نابودی و نسیان قرار داده بود. وی اظهار می‌دارد که برای دستیابی به این کتابها در شرق و غرب بلاد اسلامی، تلاش بسیاری به کار بست و تصمیم گرفت آنها را در یک کتاب گرد آورد تا از خطر نابودی و نسیان نجات یابند. بدین منظور، او روایات این کتابها را که در ابواب مختلف، پراکنده بود، در یک فصل بندی جدید و مناسب جای داد و کتاب خود را در ۲۵ جلد و مشتمل بر ۲۳۰۰ باب تنظیم کرد و مجلدات و ابواب اولیه را به اصول دین، و فصول بعدی را به آداب و سنن و فروع فقهی اختصاص داد. فصول مربوط به سیره ائمه تحت عنوان کتاب السیره در جلد هشتم و نهم از چاپ قدیمی (۲۵ جلدی) آمده است که با مجلدات ۳۲-۴۵ از چاپ جدید (۱۱۰ جلدی) منطبق می‌باشد.

منابع مورد استفاده مجلسی در ابواب مربوط به سیره ائمه بالغ بر هفتاد کتاب و مشتمل بر تفاسیر قرآن، نهج البلاغه و کتابهای روایی و تاریخی شیعه و برخی منابع اهل سنت است که بخشی از آنها عبارتند از: تفسیر محمد بن مسعود عیاشی (د ۲۶۰ق)، بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار (د ۲۹۰ق)، تفسیر علی بن ابراهیم قمی (د ۳۰۷ق)، تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی (قرن چهارم قمری)، الکافی محمد بن یعقوب کلینی (د ۳۲۹ق)، علل الشرایع، معانی الأخبار و امالی شیخ صدوق (د ۳۸۱ق)، امالی و ارشاد شیخ مفید (د ۴۱۳ق)، امالی شیخ طوسی (د ۴۶۰ق)، المناقب ابن شهر آشوب (د ۵۸۸ق)، الخرائج و الجرائح قطب‌الدین راوندی (د ۵۷۳ق)، کشف الغمّة علی بن عیسی اربلی (د ۶۹۳ق). تقریباً بیش از نیم تا دو سوم روایات کتاب السیره بحار الانوار از این چهارده کتاب اخذ شده است.

برخی منابع دیگر که مجلسی به فراوانی از آنها بهره برده، عبارتند از: المحاسن احمد بن محمد برقی (د ۲۸۰ق)، الغارات ابراهیم بن محمد تقفی (د ۲۸۳ق)، قرب الاسناد حمیری (د ۲۹۸ق)، الغیبه محمد بن ابراهیم نعمانی (د ۳۴۲ق)، کتابهای من لایحضره الفقیه، خصال، عیون أخبار الرضا و کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق (د ۳۸۱ق)، اختصاص منسوب به شیخ مفید (د ۴۱۱ق)، الغیبه شیخ طوسی (د ۴۶۰ق)، اعلام الوری بأعلام الهدی امین الاسلام طبرسی (د ۵۴۸ق)، احتجاج ابومنصور طبرسی (قرن ششم قمری)، روضة الواعظین قتال نیشابوری (قرن ششم قمری)، سعد السعود، إقبال الأعمال، جمال الأسبوع

و مصباح الزائر این طاووس (د ۶۶۸ق).

از برخی شواهد چنین برمی‌آید که مجلسی نسخه‌های متعددی از برخی کتابها در اختیار داشته و در نقل روایات این کتب، نسخه‌های یاد شده مورد توجه او بوده است، مثلاً در کتاب مربوط به سیره امام رضا(ع)، روایتی مفصل مشتمل بر سخنرانی مأمون درباره فضایل اهل بیت و ستمهایی که بر ایشان روا شده از کتاب الطرائف سید بن طاووس نقل می‌کند و در توضیح آن اظهار می‌دارد که این خبر در برخی نسخه‌های الطرائف بوده، ولی در بیشتر نسخه‌ها که البته ناقص بوده‌اند، وجود نداشت.

البته مجلسی در مواردی روایاتش را به منابعی مجهول نسبت می‌دهد که این روایات معمولاً با عبارتهایی مانند «رأیت فی بعض مؤلفات أصحابنا»، «وجدت فی بعض الکتب»، «من بعض الکتب القدیمة» و امثال اینها همراه است. بهره‌گیری نویسنده از منابع متعدد و متنوع موجب شده که در هر باب، اطلاعات فراوان و مختلفی را ارائه دهد. این اطلاعات که معمولاً به طور جامع در تک تک منابع مذکور یافت نمی‌شوند، می‌توانند کامل کننده یکدیگر در موضوعات مربوط به سیره ائمه باشند.^{۳۴}

علامه مجلسی صرف نظر از برخی از آثار شیعی - مانند کتاب الجمل شیخ مفید - که ندیده، آنچه از آثار شیعی در این زمینه بوده، در این اثر خود آورده است. کتابی دیگر مانند اثر بزرگ علامه در زمان وی تدوین شده است نظیر کار علامه در جهت یکپارچه کردن آثار شیعی در موضوعات متنوع با عنوان عوالم العلوم. برخی از مجلدات آن نیز مانند بحار الانوار درباره امامان است، که از سوی مؤسسه الامام المهدی(ع) به چاپ رسیده است. گفتنی است که علامه مجلسی کتاب جلاء العیون را به فارسی و درباره تاریخ چهارده معصوم نگاشته که یکی از رایج‌ترین آثار فارسی در چند سده اخیر در زمینه سیره معصومان بوده است. کتاب اثبات الهداة از شیخ حر عاملی در باب امامت و بیان اخبار چندی از زندگی امامان در نوع خود کتابی جامع و کم مانند است. مجموعه اخبار معجزات را نیز سید هاشم بحرانی (د ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ق) در مدینه المعاجز فراهم آورده است. این اثر به تازگی در هشت مجلد به چاپ رسیده است.

نوشته‌هایی که در این دوره در مناقب و امامت و تاریخ امامان نوشته شده خارج از حد شمارش بوده و تقریباً بخش اعظم آنها تا حدودی فاقد ارزش علمی است. این وضعیت در دوران صفویه و قاجار یکنواخت بوده و به‌رغم بهتر شدن مناسبات خارجی ایران در دوره قاجار، به ویژه رفت و آمد به عتبات و حج، رشد کتابخانه‌ای در ایران وجود نداشته و به همین

۳۴. «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، صص ۳۰-۳۲.





دلیل، کار عمده تازه‌ای نیز صورت نگرفته است.^{۳۵} برخی آثار تحت تأثیر بحار الانوار و با بهره‌گیری از آن نوشته شدند، که از آن جمله می‌توان به انوار حسینی اشاره کرد که ترجمه جلد دهم بحار الانوار علامه مجلسی است که توسط ملا محمد حسین غلام در سال ۱۱۲۳ق ترجمه شده است. این کتاب در سرگذشت حضرت فاطمه، حسن و حسین، توسط شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق)، در شب عید رمضان ۱۱۲۳ق آغاز شده و در ذی‌قعدة ۱۱۲۳ یا ۱۱۲۴ق جلد یکم آن به پایان رسیده است. این جلد در پنج باب تنها در سرگذشت حضرت فاطمه است. یک نسخه از این اثر باقی مانده است.^{۳۶}

نتیجه‌گیری

هرچند در قرن نخست قمری در زمینه مناقب‌نگاری اثری سراغ نداریم، ولی از قرن دوم قمری شاهد نگارش آثار در این زمینه هستیم، که نویسندگان در ابتدا نام کتاب الفضائل بر آنها نهاده‌اند. ذکر مناقب و فضایل را در ابومسلم‌نامه‌ها نیز می‌توان

۳۵. «نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، ص ۱۴.

۳۶. فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۵۳.

پسی گرفت. از قرن پنجم قمری به بعد، شاهد خلق آثاری از سوی برخی علمای شیعی در پیوند با اهل سنت با محوریت اهل بیت هستیم، که بارزترین نمونه آن را می‌توان کتاب التقض ملا عبدالجلیل قزوینی دانست. از همین قرن، شاهد ظهور طیفی از نویسندگان در میان اهل سنت نیز هستیم که به تاریخ ائمه و ذکر مناقب آنها توجه خاص دارند، که می‌توان از آنها به عنوان «سنن دوازده امامی» تعبیر کرد. کم‌کم مسئله امامت مورد توجه اقطاب صوفیه نیز قرار گرفت و ادبا و شعرا نیز در ذکر مناقب ائمه به مدیحه و روضه‌سرایی پرداختند. همین مدایح و مرثیاتی و حمایت از اندیشه قطب، امام، ظل‌الله و مفاهیمی از این دست، زمینه را برای صوفیه جهت حاکمیت ایدئولوژی شیعی در برابر تفکر سنی حاکم در مملکت عثمانی فراهم نمود. آنها با حمایت از مورخان، مناقب‌نگاری را ترویج نمودند، تا بدین وسیله به حاکمیت خود مشروعیت بخشند، تا جایی که علامه مجلسی در اثر بزرگ خویش، بحار الانوار، بابتی را به بیان زمینه‌سازی دولت علیّه صوفیه برای ظهور مهدی (عج) اختصاص می‌دهد، و بزرگ‌ترین اثر این دوره را در راستای مشروعیت‌بخشی به این دولت خلق می‌کند.

کتابنامه

۱. ابن حیون، قاضی نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، تحقیق و تصحیح: محمدحسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن صباغ، علی بن محمد احمد مالکی مکی، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، تحقیق و تعلیق: سامی غریبی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۹ش / ۱۴۲۲ق.
۳. اربلسی، علی بن عیسی، ترجمة المناقب، ترجمه علی بن حسین زواری، با میرزا ابوالحسن شعرانی، تصحیح: جناب سید ابراهیم میانجی، تبریز: انتشارات حاج محمدباقر کتابچی حقیقت، جمادی الثانی ۱۳۸۱ق.
۴. اصغری‌پور، حسن؛ «کتاب‌شناسی تاریخی مناقب‌نگاری اهل بیت از آغاز تا پایان قرن سوم»، مجله مشکوة، شماره ۱۰۲، بهار ۱۳۸۸ش.
۵. انصاری قمی، ناصرالدین، کتابنامه ائمه اطهار، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۶. تلافی، علی‌اکبر، «عمادالدین طبری و مناقب الطاهرين»، مجله علوم حدیث.
۷. تهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
۸. جزایری، سید نعمه الله بن عبدالله شوشتری موسوی، ریاض

الأبرار، مجلد دوم، کاتب: حاجی محمد بن غلام، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۵۹۵۶.

۹. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۳۷۶ ش.

۱۰. همو، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.

۱۱. همو، منابع تاریخ اسلام، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۲ ش.

۱۲. همو، «نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، مجله آینه پژوهش، شماره ۴۱، آذر و دی ۱۳۷۵ ش.

۱۳. حسین‌زاده شانه‌چی، غلامحسین، «تأثیر حاکمیت صفویه بر کتابهای سیره و مناقب دوازده امام»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ ش.

۱۴. همو، «ترجمه کتب سیره و مناقب امامان در عصر صفوی»، مجله پژوهشهای تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره جدید، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸ ش.

۱۵. همو، «روش‌شناسی تدوین سیره امامان در بحار الانوار»، مجله نامه تاریخ‌پژوهان، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۶ ش.

۱۶. همو، «سیره نبوی در کتاب بحار الانوار»، مجله تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۱ ش.

۱۷. حموی، محمد بن اسحاق، انیس المؤمنین در احوال نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام، تصحیح: میرهاشم محدث،

تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶ ش.

۱۸. رفاعی، عبدالجبار، معجم ما کتب عن الرسول و اهل‌البیت، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱ ش.

۱۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ «الارشاد و تاریخ‌نگاری زندگانی ائمه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۷ ش.

۲۰. فهرست رایانه‌ای نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از ۲۲۷ تا ۵۵۳.

۲۱. قزوینی رازی، عبدالجلیل بن ابی‌الحسین بن ابی‌الفضل، النقص، مقدمه و تعلیق و مقابله و تصحیح: سید جلال‌الدین حسینی ارموی معروف به محدث، ۱۳۳۱ ش / ۱۳۷۱ ق.

۲۲. کوئین، شعله، «میراث تاریخ‌نگاری عصر صفوی»، ترجمه فرشید نوروزی، مجله تاریخ در آینه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۵ ش.

۲۳. محجوب، محمدجعفر، «از فضائل و مناقب‌خوانی تا روضه‌خوانی»، مجله ایران‌نامه، شماره ۷، بهار ۱۳۶۳ ش.

۲۴. منزوی، احمد، فهرست‌واره کتابهای فارسی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

